

راهنمای مشاوران مسیحی
فصل هشتم

**Christian Counselors
Manual**

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی

پیشگفتار مترجم

جزوه ای که در دست دارید، ترجمه فصل هشتم کتاب "راهنمای مشاوران مسیحی" است. این کتاب کلاً شامل چهار فصل می باشد و انتشار تمام کتاب در این مکان امکان پذیر نیست. به ناچار فصل های این کتاب بصورت جداگانه انتشار یافته اند. دعای من این است که ایمانداران فارسی زبان از طریق این کتاب از جنبه عملی کتاب مقدس بهرمنند بشوند تا کلیسای فارسی زبان عیسی مسیح نهایت فیض و رحمت خدا را به دست آورد.

ایمانداری که به مشاوره مسیحی مراجعه کرده در این کتاب "ایماندار" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور مسیحی" نامیده شده است.

شاهرخ صفوی

فصل هشتم

جریان کار مصالحه/تأدیب (انضباط کلیسا)

در این فصل به موضوع مهمی در کلام خدا که مربوط به ایجاد تغییر در ایمانداران می باشد رسیدگی خواهیم کرد. اصل موضوع را این طور می توان بیان کرد: مسائل شخصی میان ایمانداران، هر قدر کوچک بنظر آیند، باید حل شوند. این اصل را در فصل ۱۸ متی می بینیم:

متی ۱۸

۱۵: «اگر برادرت به تو گناه ورزد، نزدش برو و در خلوت خطایش را به او گوشزد کن. اگر سخت را پذیرفت، برادرت را بازیافته‌ای؛

۱۶: اما اگر نپذیرفت، یک یا دو نفر دیگر را با خود ببر تا ”هر سخنی با گواهی دو یا سه شاهد ثابت شود.“

۱۷: اگر نخواست به آنان نیز گوش دهد، به کلیسا بگو؛ و اگر کلیسا را نیز نپذیرفت، آنگاه او را اجنبی یا خراجگیر تلقی کن.

۱۸: آمین، به شما می‌گویم، هر آنچه بر زمین ببندید، در آسمان بسته خواهد شد؛ و هر آنچه بر زمین بگشائید، در آسمان گشوده خواهد شد.

۱۹: باز به شما می‌گویم که هر گاه دو نفر از شما بر روی زمین درباره هر مسئله‌ای که در خصوص آن سؤال می‌کنند با هم موافق باشند، همانا از جانب پدر من که در آسمان است برای ایشان به انجام خواهد رسید.

۲۰: زیرا جایی که دو یا سه نفر به نام من جمع شوند، من آنجا در میان ایشان حاضرم.»

انجام چنین کاری به مسائلی که میان ایمانداران باقی مانده و نادیده گرفته شده خاتمه می دهد. این منظوری است که عیسی مسیح در آیات بالا داشت. بزرگترین مشکلی که میان زن و شوهران، والدین و فرزندان، و اعضای کلیسا وجود دارد، مشکلات باقی مانده (رسیدگی نشده) میان یکدیگر است. مسائل میان ایمانداران نباید بدون حل و فصل باقی بمانند. اگر این طور باشد، قدرت کلیسا ضعیف شده و اعضای آن بر خلاف یک دیگر عمل خواهند کرد. مسائل حل نشده به همه ضرر می رساند و نام عیسی مسیح را بی حرمت می سازد. در نتیجه، مسائل حل نشده نباید در کلیسا باقی بمانند. خدا می خواهد صلح و صفا را در کلیسا ایجاد کند. هر چه باعث کدورت میان ایمانداران می شود را باید از میان برداشت. هر اختلافی را باید از طریق مصالحه از میان برد(۱). به همین خاطر است که خدا راهی را برای ایجاد آن فراهم ساخته است.

متی ۵

۲۳: پس اگر هنگام تقدیم هدیهات بر مذبح، به یاد آوردی که برادرت از تو چیزی به دل دارد،

۲۴: هدیهات را بر مذبح واگذار و نخست برو و با برادر خود آشتی کن و سپس بیا و هدیهات را تقدیم نما.

۲۵: با شاکی خود که تو را به محکمه می‌برد، تا هنوز با وی در راه هستی، صلح کن، مبادا تو را به قاضی سپارد و قاضی تو را تحویل نگهبان دهد و به زندان افتی.

۲۶: آمین، به تو می‌گویم که تا ریال آخر را نپردازی، از زندان به در نخواهی آمد.

اهمیتی که خدا به روابط میان ایمانداران می دهد را در آیات بالا می بینیم. اگر مسئله ای میان شما و ایماندار دیگری هست، باید هر چه زودتر به آن مسئله رسیدگی کنید. توجه داشته باشید که خدا می گوید تا زمانی که آن مسئله وجود دارند، باید از پرستش او صرفه نظر کنید. شکی نیست که فوریتی در امر مصالحه وجود دارد. خدا می گوید ”نخست برو“. عیسی مسیح اهمیت مصالحه را با تقدم بر پرستش نشان داد. مسائل حل نشده ”اولویت اضطراری“ دارند و باید جدی گرفته شوند و نمی توان هر موقعی که خواست خود باشد به آنها رسیدگی کرد.

در متی ۱۸، طرف دیگری از موضوع را نیز می بینیم. اگر ایمانداری بر علیه شما کاری کرده، باز شما هستید که باید ”بروید“ (مصالحه را آغاز کنید). همیشه وظیفه با شما است و قدم اول را باید شما بردارید (و همچنین وظیفه او نیز همان است). شما نباید بگوئید، ”تقصیر با اوست. او باید نزد من آید!“ عیسی مسیح اجازه آن را نمی دهد. چه شما بر علیه او بوده اید و یا او بر علیه شما، طبق متی ۵ و متی ۱۸ شما باید قدم را بردارید. عیسی مسیح به تمام جوانب موضوع رسیدگی کرده است. دو برادر را در نظر بگیرید که کدورتی را نسبت بهم داشته اند. وقتی آرامش خود را بدست آوردند، ایده آل این است که یک دیگر را میان راه مصالحه با هم ببینند. عیسی مسیح می گوید فرقی ندارد تقصیر با کیست، هر دو وظیفه دارند طالب مصالحه باشند.

مراحل سه گانه

تا اینجا توجه کرده ایم که حل مسائل باقی مانده میان ایمانداران از اهمیت زیادی برخوردار است و از طریق مصالحه ایجاد می گردد. اما در صورتی که یکی از طرفین موافق مصالحه نباشد چه کار باید کرد؟ این موضوع در متی ۱۸ رسیدگی شده.

ابتدا، یکی از طرفین مسئله باید به تنهایی برای ایجاد مصالحه نزد طرف دیگر برود. منظور آن نیست که فقط یک ملاقات با او صورت گیرد بلکه باید تمام کوشش خود را در این راه بکند. ولی در صورتی که پس از مراجعات پی در پی، تمام کوشش های او بی فایده بود و طرف دیگر در مخالفت با مصالحه پای برجا مانده، آن وقت قدم دوم را باید بردارد.

عیسی مسیح در این صورت می گوید او باید یک یا دو نفر ایماندار دیگری را همراه خود برده و جویای مصالحه شود. این اشخاص دیگر، نقش داور و مشاور را خواهند داشت و کمک خواهند کرد تا مصالحه ایجاد گردد (۲). این اشخاص نیز امکان دارد چندین بار به مداخله خود ادامه دهند تا اطمینان کسب کرده باشند که تمام امکانات خود را برای ایجاد مصالحه بکار برده اند. در صورتی که آنها نیز موفق نشوند، با بی میلی نقش شهود را کسب خواهند نمود، و تمام موضوع را باید به کلیسا بسپارند.

آن وقت جریان کار از جنبه مصالحه خارج شده و مرحله انضباط را به خود خواهد گرفت. کلیسا از جانب شیوخ رسماً (یعنی رهبران کلیسا بعنوان نمایندگان عیسی مسیح و در حضور او)، سعی بر ایجاد مصالحه خواهد نمود. اگر شیوخ کلیسا نیز نتوانند مصالحه را ایجاد کنند (بعد از کار برد تمام امکاناتی که دارند)، آن شخص کافر شناخته شده و رسماً از کلیسا طرد می گردد. اما حتی زمانی که کافر و بی گانه شمرده شد و از کلیسا اخراج گردید، شیوخ باید تماس خود را با او نگاه داشته و سعی کنند او را به جانب توبه آورند. آنچه پولس در رابطه با انضباط کلیسا در اول تیموتائوس ۱: ۲۰؛ دوم تسالونیکیان ۳: ۱۴ و ۱۵؛ اول قرنتیان ۵: ۵، ۹، و ۱۱؛ و دوم قرنتیان ۲: ۵ تا ۸ گفته گویای این حقیقت می باشند.

قصد انضباط و محاسنی که در آن است

انضباط را باید با محبت انجام داد. انضباط بخاطر این مقاصد انجام می شود:

۱. "حفظ" حرمت نام خدا.
۲. ضمانت پاکی کلیسا (اول قرن تیان ۵: ۷).
۳. اصلاح خلاف کار.

اگر هر سه این موارد اجرا نشده باشند، انضباط انجام شده مطابق کلام خدا نخواهد بود. اگر اهداف و طرق عمل خدا مراعات و اجرا نگردند، امکان جلال دادن خدا وجود نخواهد داشت. خود خواهی و نیاز های شخصی، خیر و سعادت کلیسا را ایجاد نخواهند کرد. پولس از اخراج شدن شخص گناه کار از کلیسا ابراز تأسف کرد. کلیسا همیشه باید امید و امکان بازگشت اعضای اخراج شده را داشته باشد. باید او را به خاطر داشت و برایش دعا کرد تا به عضویت کلیسا برگردد.

عیسی مسیح جریان کار مصلحه/انضباط را قدم به قدم توصیف کرده است. مشاوره مسیحی قانئناً باید همیشه قبل از انضباط کلیسا صورت بگیرد(۴).

جریان کار مصلحه/انضباط امید زیادی را ایجاد می سازد. از آنجا که خدا فرموده نمی خواهد خورده حسابی میان فرزندان در کلیسا وجود داشته باشد، و راه مؤثری را برای رفع آنها فراهم ساخته، دلیلی وجود ندارد کلیسا متحمل چنین خورده حساب هائی در میان اعضایش باشد. هر مسئله ای را می توان از طریق کلام خدا حل کرد.

کلیسای امروزه انضباط را نادیده گرفته(۵). و به همین خاطر حساب های تصفیه نشده میان اعضای کلیسا از قدرت آن کاسته است. اعضای کلیسا نیز از وجود آن رنج می برند. انضباط صحیح کلیسا باید دوباره احیا گردد.

به عنوان مثال، به دو اصل مهمی که بخاطر ضعف مشایخ کلیسا در ایجاد انضباط از دست رفته بپردازیم:

۱. امتیاز داور و مشاوره برادرانه، در زمانی که احتیاج به آن است (و همه دیر یا زود محتاج به آن خواهیم بود) وجود ندارد. به مسیحیان اجازه داده شده در گناهشان، و تمام نتایجی که بار می آورد لغزش بخورند. بیشتر مسائل در مراحل اول یا دوم (اگر با کوشش تمام انجام گردند) حل می شوند، اما بجای آن، اجازه داده شده مسائل سیرطبیعی خود را پیموده و خواست خدا در قبال آنها نادیده گرفته شود. عیسی مسیح به هر یک از اعضای کلیسایش این امتیاز را داده که از جریان کار مصلحه روحانی کلیسا بهر مند باشند. ولی متصدیان کلیسا این امتیاز را از آنان گرفته اند.

۲. از حضور عیسی مسیح در اجرای جریان کار مصلحه/انضباط جلوگیری می کنند. عیسی مسیح گفت "زیرا جائی که دو یا سه نفر به نام من جمع شوند، من آنجا در میان ایشان حاضرم"(این آیه برای تشویق به دعای دو یا سه نفر داده نشده). عیسی مسیح به شاگردانش اطمینان داد که در صورت اجرای صحیح دستوراتش در خصوص مصلحه و انضباط، او شخصاً آنها را هدایت خواهد کرد(۶). او شفاهاً این اطمینان را داد، چون از سرپیچی اجرای فرامین آگاه بود. اما با وجود تأکیدی که عیسی مسیح بر این موضوع کرده، فرزندان از او نافرمانی می کنند.

ایمانداری به مشاور گفت: "زن من مرا رها کرده و با مرد دیگری زندگی می کند. او چهار سال است که با این مرد زندگی می کند. من تمام سعی خودم را کرده ام تا او را باز گردانم، ولی فایده ای نداشته" مشاور از او پرسید با او شخصاً صحبت کرده اید؟

"البته. من بار ها با او شخصاً صحبت کرده ام ولی فایده ای نداشته. با وجود تمام صدماتی که به من وارد کرده، او را دوست دارم و اگر تصمیم بگیرد بر گردد حاضرم او را ببخشم"

مشاور از او پرسید: ”پس از آنکه شخصاً موفق نشدید، دو یا سه نفر دیگری از اعضای کلیسا را با خود بردید؟“
”خیر“.

”اما شما گفتید تمام سعی خودم را کردم. اینطور که می گوئید حتی قدم دوم آنچه باید بکنید را بر نداشته اید. کلام خدا در متی ۱۸ به شما گفته چه باید بکنید. زن شما هنوز عضو همین کلیسا است، و باید از چند نفر رهبران کلیسا بخواهید شما را نزد او همراهی کنند. شما آنچه خدا گفته را تنها شروع کرده اید. شکی نیست که خدا اطاعت از او را برکت خواهد داد، و شاید خواست شما را نیز انجام رساند“.

انضباط در کلیسای این شخص نادیده گرفته شده بود. مشاور از او خواست دو نفر از شماسان کلیسا را با خود نزد زنش ببرد تا با او راجع به این موضوع صحبت کنند. پس از صحبت هایشان، زن راضی شد مرد دیگر را ترک کند و به شوهرش بپیوندد. چهار سال را این شوهر در رنج و عذاب سپری کرد چون راه خدا را دنبال نکرده بود.

البته همیشه چنین نتیجه مطلوبی گرفته نمی شود. ولی جریان کار مصالحه/تأدیب امید را باقی نگاه می دارد. خدا ما را بدون امید نگذاشته. در کلام خدا راه رسیدگی به مسائل میان فرزندان خدا موجود است، همه مسائل.

دریک گردهم آئی کشیشان، این مورد برای بحث و گفت و گو تقدیم شد:

زن و شوهری شایعاتی را بر علیه هیئت مدیره کلیسا، میان اعضا و کلیسا های مجاور پخش می کردند. کشیش کلیسا همراه با یکی از مشایخ در زمانی که برای مشارکت سالانه خانوادگی فراهم شده بود با آن زن و شوهر وارد صحبت شدند. زن و شوهر مسائلی که داشتند را از طریق این دو به هیئت مدیره کلیسا دادند. صحبت و تبادل نظرات بسیاری صورت گرفت. کشیش و شیخ کلیسا سعی کردند برداشت های اشتباهی که از مدیریت کلیسا بدست آمده بود را بردارند. این جریان با خواندن کلام و دعا شروع شد و خاتمه یافت. کشیش و شیخ به این زن مرد گفته بودند که اگر با زبان و یا رفتارشان صدمه ای به آنها وارد کرده اند متأسفند. با این وجود این زن و شوهر به شایعه پراکنی خود ادامه داده اند. ما چه باید بکنیم؟

بنظر می آید کار های انجام شده باید به نحو دیگری انجام می شدند. اولاً، برای این موضوع بخصوص از زمانی که برای مشارکت خانوادگی ترتیب داده شده استفاده کردند؛ یعنی جلسه مخصوصی را برای آن فراهم نداشتند. اگر شایعاتی بر خلاف کلیسا در جریان بود، باید جلسه خاصی برای این مسئله ترتیب می دادند. موضوع از رابطه خصوصی ”دو یا سه نفر“ گذشته بود. شایع کننده موضوع را عمومی کرده بود و مسئله از همان ابتدا مراحل نهائی خود را بدست آورده بود.

اما دلیل ملاقاتشان از آغاز پنهان شده بود. این زن و شوهر دلیل ملاقات را بخاطر شایعه پراکنی نمی دانستند. و از آنچه بنظر می رسد، صحبت راجع به شایعه پراکنی نبوده. در حقیقت مسئله موجود با مدیریت کلیسا، از جانب زن و شوهری که مرتکب گناه شده بودند به میان آورده شد. با این وجود، کشیش و شیخ کلیسا تنها موضع کلیسا را بیان کردند و از آن دفاع کردند. بنظر می آید که ”راه آسان“ را انتخاب کردند. سعی بر آن کردند که موضع کلیسا را روشن کنند. این کار البته درست است و لازم بود انجام بگیرد. اما مسئله اصلی برداشت نادرست این زن و شوهر از موضع مدیریت کلیسا نبود، بلکه رفتار این دو عضو بود. فرض کنیم مسئله برداشت نادرست حل شده بود، آن وقت مسئله شایعه پراکنی کماکان به جای خود باقی بود. آیا زمینه برای شایعه پراکنی های دیگر نیز فراهم نمی باشد؟

بجای این خط مشی ملایم و نا معلوم، باید آموخت خدا در این رابطه چه گفته است. راه مصالحه/تأدیب را باید پیش گرفت. شاید کشیش و شیخ کلیسا به یکدیگر گفتند: "جلسه ملاقات خانوادگی دارد نزدیک می شود، بهتر است تا آن زمان صبر کنیم و مسئله را آن موقع پیش آوریم. در زمان ملاقات شاید موضوع طبیعتاً در میان آید و آن وقت راجع به آن صحبت خواهیم کرد". اما کشیش و شیخ باید جلسه خاصی را برای رسیدگی به این موضوع ایجاد می کردند، و مورد بحث را شایعه پراکنی این زن و شوهر می کردند. در این صورت صحبت راجع به موضوع دیگر مربوط به برداشت غلط و بیان موضع کلیسا کشیده نمی شد. البته به این موضوع ها نیز باید رسیدگی می شد، ولی پس از رسیدگی به موضوع اصلی. در واقع تنها در صورتی به درستی به آن رسیدگی می شد که موضوع اصلی ابتدا حل گردیده بود. این اعضا نمی توانستند با پر کاهی که در چشم خود دارند، چوبی که در چشم مدیریت کلیسا بود را بردارند. کشیش و شیخ در حال دفاع بودند بجای حمله. از اقتداری که عیسی مسیح به ایشان داده بود استفاده نکردند. البته اگر فکر می کردند واقعاً مرتکب خلاقی شده اند، باید اعتراف کرده و درخواست بخشش می کردند. اما هیچ نشانی از آنکه چنین واقع شده در دست نیست. نتیجتاً طلب بخششی که کردند بنظر دورویی می نماید.

شایعه، گناه بسیار مخرب کننده ای است. بخاطر جلال خدا، خیریت کلیسا، و برکت خلاف کنندگان، باید به آن رسیدگی می شد. تعجب نیست که این دو هنوز به شایعه پراکنی ادامه داده اند، چون کسی راجع به آن با آنها صحبت نکرده است. تعجب نیست که نارضایتی آنها ادامه دارد. هیچ کس به آنها رسیدگی نکرده است. هنوز برای انجام این کار ها دیر نشده. اما اگر متصدیان کلیسا تصمیم بگیرند دوباره کوشش خود را بکنند، این بار دلیل برای طلب بخشش دارند. باید به دلیل آنکه وظیفه خود را قبلاً درست اجرا نکردند طلب بخشش کنند. شاید در مشیت الهی که قادر است خشم انسان را باعث جلال خدا کند، روح القدس از این طلب بخشش استفاده کند و دل این زن و مرد را نرم کند، تا برکت ملامت سخت ولی با محبت کشیش و شیخ را دریافت نمایند.

آغاز کار از کجا است؟

به دلیل آنکه انضباط کلیسا عموماً نادیده گرفته شده، یک نمونه از طریق شروع آن را نشان خواهیم داد:

۱. انضباط روحانی کلیسا را به مشایخ کلیسا آموزش دهید و اهمیتی که دارد را روشن سازید.
۲. سپس راجع به این موضوع موعظه کنید و اعضای کلیسا را از اهمیتی که دارد آشنا سازید.
۳. بعد، انضباط کلیسا را در موردی که نیاز به آن دارد اجرا کنید.

ازدواج، طلاق، و جریان کار مصالحه/تأدیب

از مسئله طلاق میان مسیحیان می توان به عنوان مثالی درست و کامل، برای نشان دادن اهمیت جریان کار مصالحه/تأدیب استفاده نمود. این مسئله ایست که اکثر کشیش ها دیر یا زود با آن مواجه خواهند شد. مثال را با در نظر گرفتن اول قرن نوزدهم آغاز می کنم.

اول قرن‌تینان ۷

- ۱۰: حکم من برای متاهلان این است - نه حکم من، بلکه حکم خداوند - که زن نباید از شوهر خود جدا شود.
- ۱۱: اما اگر چنین کرد، دیگر نباید شوهر اختیار کند و یا اینکه باید با شوهر خود آشتی نماید. مرد نیز نباید زن خود را طلاق گوید.
- ۱۲: به بقیه می گویم - من می گویم نه خداوند - که اگر برادری همسری بی ایمان دارد و آن زن حاضر است با او زندگی کند، آن برادر نباید زن خود را طلاق گوید.
- ۱۳: همچنین اگر زنی شوهری بی ایمان دارد و آن مرد حاضر است با او زندگی کند، آن زن نباید از شوهرش جدا شود.
- ۱۴: زیرا شوهر بی ایمان به واسطه همسرش تقدیس می شود و زن بی ایمان به واسطه شوهرش. در غیر این صورت، فرزندان شما ناپاک می بودند؛ اما چنین نیست، بلکه آنان مقدّسند.
- ۱۵: اما اگر آن که بی ایمان است بخواهد جدا شود، مانع مشوید. در چنین وضعی شوهر یا زن مؤمن اجباری ندارد با او زندگی کند. ولی خدا ما را به صلح و آشتی خوانده است.

پولس در این فصل، کلام عیسی مسیح را تکرار می کند و می گوید دلیلی جز زنا برای آنکه دومیسیحی ازدواجشان را لغو کنند (اول قرن‌تینان ۷: ۱۰ و ۱۱) وجود ندارد. اما بعد صحبت از موردی می کند که عیسی مسیح چیزی نگفت (آیه ۱۲). پولس با هدایت روح القدس مطلبی را از جانب خدا مکشوف می سازد. موضوع مربوط به ازدواج میان ایماندار و بی ایمان است. ایماندار باید در ازدواج خود بماند اگر همسر بی ایمانش اینطور صلاح می داند. البته بی ایمان شاید نخواهد زندگی زناشویی را ادامه دهد. در چنین صورتی، ایماندار باید با متارکه موافقت نماید (۱۵). وقتی چنین وضعی پیش می آید، پولس می گوید ایماندار دیگر در "بند" نیست. در این صورت، ایماندار آزاد است که مراحل متارکه را پیموده طلاق را بگیرد، و دوباره ازدواج کند(۷).

اما مسئله آنجا است که زمانی زن و شوهر مسیحی، توافق بدست نمی آورند و مصالحه نمی کنند، چه باید کرد. فرض کنیم شوهری که اعتراف کرده ایماندار است، مصالحه با زن ایماندارش را قبول نمی کند. شاید زنش را ترک نیز کرده است. زنش نیز سعی خودش را کرده مصالحه را ایجاد کنند. اگر کماکان بخواهد مصالحه را ادامه دهد (مطابق با متی ۱۸)، و شخصاً در این کار موفق نمی شود، باید یک یا دو نفر از اعضای کلیسا را همراه خود ببرد و با شوهرش رو به رو شود. حال فرض کنیم این بار نیز شوهرش پس از میانجی شدن اعضای دیگر، باز از مصالحه امتناع ورزد. در چنین صورتی، زن لازم است موضوع را رسماً به کلیسا محول کند، و در صورتی که شوهرش به مخالفت خود ادامه دهد ممکن است از کلیسا اخراج گردد. اخراج شدن او از کلیسا، آن گونه که عیسی مسیح نام برده "اجنبی یا خراجگیر" شمرده خواهد شد، یعنی کسی که خارج از کلیسا می باشد.

متی ۱۸

- ۱۷: اگر نخواست به آنان نیز گوش دهد، به کلیسا بگو؛ و اگر کلیسا را نیز نپذیرفت، آنگاه او را اجنبی یا خراجگیر تلقی کن.

حال باید با او مانند "اجنبی یا خراجگیر" رفتار نمود(۸). منظور این است که زمانی را باید برای کوشش مصالحه با کلیسا گذارند. اما در صورتی که با کلیسا نیز مصالحه نکند و از زنش نیز دوری کند، آن زن می تواند از طریق قانون درخواست طلاق نماید (توجه داشته باشید که اول قرن‌تینان ۶: ۱ تا ۸ توکل به قانون را برای برادران منع کرده است(۹)).

جریان کار مصالحه/تأدیب امید را پای بر جای می گذارد، و در اکثر موارد مصالحه را نیز میان می آورد (۱۰). کمتر مواردی وجود دارند که پس از اجرای مصالحه/تأدیب، باعث اخراج عضوی شده اند. اکثر ازدواج ها نه تنها نجات می یابند، بلکه تغییر اساسی را به جانب نیکی برداشت می کنند (۱۱). اما در موارد معدودی که زوج توافق به مصالحه نمی کنند، آن که طالب مصالحه بوده در برزخ نمی ماند. او مراحمی را در دست دارد که امیدبخش هستند، و اگر جریان کار به اخراج طرف دیگر منجر شد، لزومی ندارد تا ابد در بند ازدواج بماند. البته این تنها در صورتی صدق می کند که طرف مخالف در طول مرحله انضباط، مخالف توبه و نشان دادن ایمان خود بوده، از ازدواج خارج شده، و درخواست متارکه را نیز کرده است. ادامه رد اقتدار عیسی مسیح و کلیسایش، نهایتاً منجر به اخراج می گردند. کسی که از کلیسا اخراج شده، تا زمانی که توبه نکرده باشد، باید همچون اجنبی و خراجگیرشمرده شود. او هیچ نشانه ای از فیض ندارد. وقتی او از کلیسا اخراج شد و کماکان بر مخالفت خود ادامه داد، طرف ایماندار می تواند او را مانند یک بی ایمان بشمرد. یعنی وقتی مخالفی، ایماندار را پس از طی این مراحل ترک کند، ایماندار دیگر وابسته به او نمی باشد. آن وقت آنچه در اول قرن نهم: ۷: ۲۱ راجع به ازدواج ایماندار با بی ایمان شرح داده شده صدق می کند. وقتی جریان کار مصالحه/تأدیب را به مسئله ازدواج - طلاق - ازدواج دوباره مربوط می کنیم، ۹۹ درصد از مواردی که قبلاً راه حلی نداشته اند حل می گردند. امید در آن است که همه طرفین به مصالحه دست یابند، اما آنانی که مخالفت می ورزند و توبه نمی کنند باید تنبیه شوند. در هر حال، مسائل حل شده و خورده حسابی در جا نخواهد ماند (۱۲).

فهرست زیر نویس های فصل هشتم

(۱) افرادی می گویند: بهتر نیست موضوع را فراموش کنیم و نگذاریم دوباره سر بلند کرده و مسائل بیشتری را ایجاد کنند؟“ موضوع را این گونه بیان می کنند: ”آیا شخصی که صدمه دیده امکان آن را دارد مسئله را برای همیشه نادیده بگیرد؟“ امثال ۱۰: ۱۲ می فرماید، ”نفرت، نزاعها برمی انگیزد، اما محبت، خطاپوش است.“ البته واضح است که کلیسا نمی تواند به همه نوع مسائل و مشکلات رسیدگی کند. ما باید بیاموزیم که در محبت، بسیاری از خطاها را به بخشیم. اما منظور عیسی مسیح در آیات فصل پنج و هیجده این مسائل نیست. در آنجا (متی ۵: ۲۳)، عیسی صحبت از ایمانداری می کند که چیزی در دل بر علیه ایماندار دیگری دارد (نگاه داشته) (*echai ti kata sou*)، و وقتی لازم می شود صلح برقرار شود (متی ۱۸: ۱۵) (*ekerdesas*). عیس مسیح راجع به مسائلی صحبت می کند که ایمانداران نمی توانند ”پوشانند“ (یعقوب ۵: ۲۰). اگر مسئله ای هست که ممکن است تا روز بعد ادامه پیدا کند، باید به آن رسیدگی کرد.

- (۲) توجه کنید که این افراد بخاطر اجرای مصالحه لازم، آشنائی کامل با مسئله و سابقه آن را دارند، و در نتیجه، قبل از دخالت خود مطالعات لازم مربوط به موضوع را کرده و برنامه همکاری با یکدیگر را مرور کرده اند.
- (۳) ایماندارانی که عضو کلیسای عیسی مسیح می باشد، از تمام برکات و امکانات انضباط کلیسا باید برخوردار باشد. نه کسی که صدمه دیده، و نه کلیسا، حق دریغ داشتن انضباط و تربیت رسمی و غیر رسمی آن را از متخلف دارد.
- (۴) از آنجا که یکی از اهداف انضباط کلیسا باز پس گرفتن گناه کار است، می توان گفت جزئی از مشاوره مسیحی است.
- (۵) اشخاصی که نأدیب کلیسا را قانون گرائی و قضاوت گرائی می شمارند، توازنی که میان انضباط و مصالحه موجود است را نادیده گرفته اند. کلیسائی که انضباط می کند و در جریان این کار ممکن است اخراج نیز بکند، تنها پس از زمانی است که خواهان و کوشش در مصالحه بوده. در حقیقت با امکان اخراج کردن، مصالحه را تشویق نیز کرده است.
- (۶) در متی ۱۸: ۱۸ عیسی مسیح می گوید رفتار شما در زمین انعکاسی قضاوتی است که خدا در آسمان کرده. ”باز“ و ”بسته“ کردن اصطلاحاتی بود که در آن زمان در میان یهودیان رایج بود و امروزه می توان آنها را ”مجاز“ و ”منع“ نامید. منظور این است که شخصی در مشارکت با فرزندان خدا مجاز یا منع گردیده است.
- (۷) ازدواج دوباره شامل این آیه می باشد (همچنین به تثنیه ۲۴: ۱ و ۲ توجه کنید).
- (۸) لغت نامه استرانگ، (G5681) را (*hosper*) یعنی ”کاملاً شبیه“ نام برده است.
- (۹) این حقیقت مهمی است. محکمه کلیسا باید همیشه قبل از محکمه قانون ایجاد گردد چون کلام خدا محکمه قانون را میان ایمانداران منع کرده. این به آن دلیل است که رفتار عجولانه ایجاد نگردد و وقت و کوشش لازم برای مصالحه صرف گردد و در صورت شکست، به مراجع قانونی سپرده گردد. نتیجتاً به مسیحیان امکان زیادی داده شده تا قبل از آنکه چنین رفتار ها منجر به صدمات بیشتری گردد، نتیجه اعمالشان را بررسی کنند.
- (۱۰) چنین انتظاری را باید از مسیحیان داشت.
- (۱۱) معمولاً آنچه جوش داده شده از فلز قوی تر است.
- (۱۲) اجرای حکم و ثبت مراحل انضباط کلیسا در دفاتر رسمی کلیسا، حتی در مواردی که به اخراج خاتمه یافته، امری است حیاتی. اهمیت آن برای زوج مورد نظر اینجا است که در آینده همیشه خواهند توانست به گذشته بنگرند و نتیجه مثبتی که داشته را ببینند.